

بررسی چگونگی نقش آفرینی علمی حوزه علمیه قم در بعد حفظ و تعالی

انقلاب اسلامی^۱

علیرضا استادیان خانی^۲، حسین ارجینی^۳، محمد جواد نوروزی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴

چکیده:

حوزه علمیه قم به عنوان پایگاه و مبدا شروع نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) جایگاهی خطیر در حفظ و استمرار و اعتلای انقلاب می تواند داشته باشد که در طول این سال ها، بزرگان نظام اسلامی و حوزه های علمیه همواره بر آن تاکید داشته اند. ادامه مسیر صحیح انقلاب اسلامی بدون تئوری پردازی و مشارکت علمی حوزه های علمیه امکان پذیر نیست زیرا مفهوم از اسلام در ترکیب انقلاب اسلامی، اسلام اجتهادی و فقهاتی است که تامین کننده این بعد، حوزه های علمیه است. کارکردهایی همچون گفتمان سازی، اسلامی سازی علوم انسانی، ایفای نقش در مسیر قانون گذاری و... از موارد مهمی است که نیازمند ایفای نقش حوزه علمیه در بعد رسالت تمدنی خود است. هدف از این مقاله، بررسی نقش حوزه علمیه قم (به عنوان مرکز اصلی حوزه های علمیه جهان تشیع) در حفظ و اعتلای انقلاب اسلامی است، به این معنا که حفظ و اعتلای انقلاب اسلامی دارای ابعاد و شاخصه هایی است که در این پژوهش چگونگی نقش حوزه علمیه در بعد علمی، پژوهشی و نظریه پردازی مورد بررسی قرار می گیرد. فرضیه مقاله "بررسی چگونگی نقش آفرینی علمی حوزه علمیه قم در بعد حفظ و تعالی انقلاب اسلامی" این است که نقش آفرینی حوزه های علمیه همانگونه که انقلاب اسلامی را به پیروزی رساند، برای حفظ و استمرار و تعالی با مجاهدت علمی و نظری حوزه علمیه قم لازم است. این مقاله به شیوه کتابخانه ای و با روش توصیفی، تبیینی، به بررسی نقش حوزه علمیه قم در حفظ و تعالی انقلاب اسلامی پرداخته است.

واژگان اصلی: حوزه علمیه قم، انقلاب اسلامی، روحانیت، نظریه پردازی، تعالی

۱ - این مقاله مستخرج از رساله مقطع دکتری است.

۲. دانش آموخته دکتری انقلاب اسلامی، دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول). Ostad1363@gmail.com

۳. دانشیار گروه انقلاب اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

۴. استاد موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی و مدرس معارف اسلامی، قم، ایران

طرح مسئله

حوزه علمیه قم جایگاه تعیین کننده در پیروزی انقلاب اسلامی داشته و همچنین نقش ویژه ای در حفظ و اعتلای انقلاب اسلامی ایران می تواند ایفاء کند. رهبر انقلاب اسلامی با تبیین واژه حوزه انقلابی و تاکید بر نقش مادری حوزه برای انقلاب اسلامی و تبیین کارکردهای لازم حوزه انقلابی همچون تولید فکر، نصیح، ارشاد و... خواستار ارتقای مشارکت حوزه علمیه در تعالی انقلاب اسلامی و فرایند اسلامی سازی نظام شده اند. به عبارت دیگر ادامه راه انقلاب و طی مراحل تعالی آن بدون استفاده و نقش آفرینی علمی و پژوهشی و فعال شدن بعد نظری حوزه های علمیه میسر نخواهد بود، زیرا بر اساس گفتمان امام خمینی (ره) و تعابیر قانون اساسی، اسلامیت انقلاب به محوریت ولی فقیه و مشارکت فقیهان در ابعاد حاکمیتی همچون نظریه پردازی های دینی است که این نظریه پردازی در ساحت اجتهاد اصولی و نظامند قابل قبول است. در همین راستا پیکره قانون اساسی بر اساس محوریت فقه نوشته شده است که از تخصیص جایگاه راس هرم قدرت و حاکمیت به فقیه تا منع وضع و تصویب قوانین عادی برخلاف فقه و شریعت در قانون اساسی متبلور است. در این فرض اگر حوزه های علمیه در تربیت نیروی انسانی، تولید علم و در حوزه نظارت و... فعال عمل کند، می تواند تضمین کننده بعد اسلامیت نظام و زمینه ساز حفظ ارزش ها و مبانی و اعتلای انقلاب اسلامی در مسیر تعریف شده خود باشد.

در این میان آنچه حائز اهمیت است نقش حوزه های علمیه در تامین عقبه فکری و تامین بعد استراتژیک و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی به عنوان ام القرای جهان اسلام و نمونه بارز اسلام محمدی (ص) است؛ به عبارت دیگر اسلامیت مزیت رقابتی انقلاب ایران است و در این میان تامین کننده این بعد، حوزه های علمیه است.

تمرکز تحقیق

بررسی رابطه حوزه علمیه قم با انقلاب اسلامی، دارای ابعاد مختلفی است، ترابط و نقش حوزه علمیه قم و انقلاب اسلامی دوسویه بوده و اینکه هرکدام در حوزه دانشی چه خدمات مشترکی به یکدیگر در طول این سالها ارائه داده اند یا شایسته است که ارائه دهند، بحث بسیار مهمی است اما آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است نقش حوزه علمیه قم در تامین ابعاد گوناگون نیازهای تئوریک و رفع نیازهای نظری انقلاب اسلامی در راستای حفظ و اعتلای انقلاب اسلامی است و ساحت اقدامات اجرایی و عملیاتی حوزه علمیه قم هم، اگرچه مهم است اما مورد بحث این مقاله نیست.

در حالی که بیشتر پژوهش‌ها متمرکز بر بررسی نقش تاریخی حوزه علمیه در پیدایش انقلاب اسلامی است و یا تحقیق‌هایی که معطوف به مطالعه بایسته‌های اعتلای سازمان حوزه علمیه قم است، بررسی حوزه علمیه با تمرکز بر وضعیت سنجی و تبیین نقش آن در ارتباط با انقلاب اسلامی، از جنبه‌های نوآورانه این پژوهش است.

مفهوم شناسی

برای بررسی نقش حوزه علمیه قم در حفظ و اعتلای انقلاب اسلامی، ابتدا باید به تعریف یا تحدید مفاهیم، نقش، حوزه علمیه، حوزه علمیه قم، تعالی، انقلاب، انقلاب اسلامی، پردازیم.

۱- نقش

نقش شامل نگرشها، ارزشها و رفتاری است که از سوی جامعه به فرد یا افرادی که پایگاه اجتماعی خاص را اشغال می‌کنند داده می‌شود. (کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ۱۹۱۳: ۳۳) در برداشت کارکردگرایانه نقش اجتماعی متشکل از هنجارهایی است که کنش یا موقعیت یا کارکردی خاص که یک فرد یا گروه در یک جمع دارند از آن تبعیت می‌نماید، تعریف می‌شود. (گی روشه، ۱۳۷۰: ۴۵)

منظور ما در این رساله از نقش حوزه علمیه قم، جایگاه و مسئولیت‌ها و وظایفی است که حوزه علمیه قم در قبال انقلاب اسلامی برعهده دارد.

۲- حوزه علمیه

حوزه در لغت عرب به معنای ناحیه، مجتمع و مکان ثقل آمده است. کلمه حوزه یا حوزه‌های علمیه اصطلاحی است رائج در جهان به ویژه نزد شیعیان به معنای مرکز تحصیل علوم دینی و به اصطلاح دانشگاهی است برای آموزش و فراگیری علوم دینی و قدیمه، که با در اختیار داشتن گنجینه به یادگار مانده از خاندان نبوت و عترت، فرهنگ بی‌نظیری را در تمام زمینه‌های علمی، اجتماعی و بعضاً سیاسی از خود به یادگار گذارده است. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ج ۶، ص ۵۴۹)

۱-۲ حوزه علمیه قم

حوزه علمیه قم به همت آیت الله حائری در سال ۱۳۰۱ در قم احیا شد و حوزه علمیه قم در دوره جدید را بنا نهاد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۴۰۷)

نهاد حوزه علمیه قم امروز دارای مراکز علمی و آموزشی، موسسات تحقیقاتی و پژوهشی، مراکز و گروه‌های تبلیغی و فرهنگی، موسسات فرهنگی و تربیتی با تنوع طلبه‌های برادر و خواهر اعم از ایرانی و غیرایرانی است که در حال فعالیت هستند.

از حیث ساختاری و سازمانی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بالاترین جایگاه تصمیم‌سازی است که ذیل آن شورای عالی حوزه علمیه قم قرار دارد و اعضای آن با مشورت با مراجع معظم تقلید و رهبر معظم انقلاب تعیین خواهند شد و اینان نسبت به تعیین مدیر حوزه علمیه و تعیین سیاست‌های کاری در حوزه مدیریت حوزه علمیه اقدام می‌نمایند.

مدیریت حوزه علمیه قم دارای معاونت‌های آموزش، پژوهش، تبلیغ و امور فرهنگی، تهذیب و تربیت، منابع انسانی و پشتیبانی است که هر کدام از معاونت‌ها دارای شرح، وظایف مقرر و چارت نیروی انسانی است.

همچنین مرکز مدیریت حوزه علمیه سراسر کشور در قم قرار گرفته است و به جز استان‌های خراسان، اصفهان و خوزستان زیر نظر مرکز مدیریت حوزه علمیه مستقر در قم است.

منظور ما از واژه حوزه علمیه در این تحقیق، مفهوم عام از حوزه علمیه قم و شامل تمامی ابعاد ساختاری و نهادی حوزه است که این مفهوم شامل مراجع، اساتید حوزه علمیه قم، طلاب، مدیران مرکز مدیریت، مراکز وابسته یا گرداگرد حوزه یا پژوهشگاه‌ها و مراکزی است که دارای اهداف دینی و با نیروی انسانی طلبه است، می‌شود.

انقلاب

انقلاب از قلب به معنی دگرگونی، زیرو رو شدن، تحول و تغییر است. (معین، ۱۳۶۰: ج ۱، ص ۸۲) در زبان فارسی به نقل از فرهنگ دهخدا در بیان معنای لغوی انقلاب آمده است، انقلاب به معنی برگشتگی، تغییر و تبدیل و تحول و تغییر ماهیت می‌باشد. (بادامچیان، ۱۳۷۴: ج ۴، ص ۱۸)

۱-۳ انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی بر مجموعه تحولات، حوادث و رخدادهایی است که با هدف احیاء تعمیق عقاید و احکام اسلامی در افکار و رفتار فرد و جامعه که منجر به ایجاد نظام سیاسی خاص در سال ۱۳۵۷ در ایران گردید اطلاق می‌شود. (حشمت زاده، ۱۳۷۱: ص ۴۸)

قید "اسلامی" قانون اساسی و محتوای حکومت را تعیین می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که حکومت منتخب مردمی یعنی "جمهوری" می‌بایست در چارچوب احکام و اصول اسلام حرکت

کند و از آن تخلف نکند.

۳- تعالی

تعالی و اعتلا در معنای لغوی به معنای برتر شدن است؛ اعتلا از ماده (ع ل و) مصدر از باب افتعال است. کلمه اعتلا دارای مترادف هایی همچون تعالی، تکامل، استمرار و رشد است. از نظر استاد مرتضی مطهری، در مفهوم تکامل، تعالی وجود دارد. (مطهری، ۱۳۶۷: ص ۲۷۶)

چارچوب نظری:

پیرامون ارتباط حوزه با نظام اسلامی دیدگاه های مختلفی وجود دارد که می توان آنها را از منظر جریان شناسی مورد مطالعه قرار داد. انگاره های نظری و فکری ای که میتوان با تعبیری همچون اسلام حداقتی، اسلام مناسکی، اسلام به قرائت انجمن حجتیه، حکومت سکولاریستی، حکومت دینی به شکل نظارت فقیه و... از آن نام برد. در این میان اما شایسته است تا نظریه مختار این پژوهش که همان "حوزه حافظ و تعالی بخش حوزه علمیه" که عبارت دیگر "حوزه انقلابی" است، به صورت دقیق بررسی شده و شاخصه های آن تشریح شود.

نقش حوزه علمیه قم در نسبت با انقلاب اسلامی، تثبیت و تحکیم ارزش ها، حرکت در جهت تحقق اهداف و بسترسازی برای تحقق مسیر آینده انقلاب است که از مسیر حفظ انقلاب اسلامی به وضعیت تعالی انقلاب در ساحت های دولت اسلامی، نظام اسلامی و تمدن اسلامی می رسد. چنین حوزه علمیه ای با این نقش تاریخی و رسالت خطیر، باید دارای ویژگی هایی باشد تا بتواند به اهداف خویش برسد. از منظر این اندیشه که در گفتمان امام خمینی و حضرت آیت الله خامنه ای متبلورست، انقلاب اسلامی حاصل و خروجی حوزه علمیه بوده و باید حامی و ناصح آن بوده و تا مرحله کمال او را تعقیب کند. در این اندیشه انقلاب اسلامی در مسیر تکامل حوزه های علمیه در بعد کنشگری سیاسی فعال است و انقلاب نیز در قبال این فرزند خویش وظیفه حفظ و حراست و نگهداری و تقویت دارد.

حوزه انقلابی اصطلاحی است که از سوی حضرت آیت الله خامنه ای بیان شده و معظم له در راستای سیاست گذاری های کلان فرهنگی و علمی و هدایتگری جامعه به خصوص جامعه علمی حوزوی، آن را مطرح کرده اند. این اصطلاح تکمیل کننده فرایند خط مشی گذاری های کلان رهبر انقلاب اسلامی در راستای تحقق اهداف کلان و کارکردی از نقش تاریخی حوزه های

علمیه است. نقشی که مراجع معظم تقلید در طول تاریخ برای حرکت صحیح آن تلاش کرده و در عصر انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) مجاهدت وافر بر آن داشته و تلاش کردند تا با عبارتی همچون "اسلام اصیل محمدی (ص)" و توجه دادن حوزه های علمیه به روش "فقه جواهری مبتنی بر زمان و مکان" و با تحذیرهایی همچون آخوند درباری، اسلام آمریکایی و.... جهت گیری کلان در نهاد روحانیت را تصحیح و میدان نظر و عمل حوزه های علمیه را برای تحقق اهداف متعالی دینی در عرصه های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و بین المللی آماده سازند. (نک: امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵، ص ۲۳ و ۴۱) نک: امام خمینی، ۱۳۹۱، ص ۶۴)

حوزه های علمیه به عنوان مادر نظام اسلامی وظیفه حمایت و نصیحت و نظارت بر نظام اسلامی دارند (امام خامنه ای، ۱۳۹۹، ص ۸۹) و اگر حوزه علمیه در این کارکرد با خطا روبرو شوند، اسلامیت نظام با مشکلات جدی روبرو خواهد شد.

می توان گفت: حوزه انقلابی ادامه دهنده سنت سلف صالح و برخوردار از نظام اجتهادی مبتنی بر فقه اهل بیت (ع) است که در قیام تاریخی ملت ایران به رهبری مرجع عالیقدر، امام خمینی (ره) برای تحقق حکومت اسلامی ایفای نقش کرده و برای تحقق مراحل پنج گانه نظام اسلامی مطروحه مقام معظم رهبری برنامه ریزی و تلاش می کند.

حوزه انقلابی توحید محور، ولایت پذیر، استکبار ستیز و پر تلاش در راستای تحقق رسالت های بزرگ خود در عصر فعلی است؛ او حقیقت باور و ظلم ستیز و عدالت محور است و با باور به ولایت فقیه، برای تحقق تمدن اسلامی می کوشد.

عرصه های نقش آفرینی علمی حوزه های علمیه

حوزه های علمیه به عنوان کانون نظریه پردازی و محل تولید فکر و اندیشه اسلام بر اساس روش اجتهادی مبتنی بر کتاب و سنت نقش بی بدیلی در ارائه تصویری دقیق از اسلام دارند؛ وظیفه سنگینی که اقتضا می کند تا حوزه علمیه قم به عنوان پیشران حرکت حوزه های علمیه در عصر جدید، به خوبی عرصه های دانشی را شناخته و با فهم اقتضائات روزگار و مبتنی بر سنت سلف و با توجه به دو عنصر تعیین کننده زمان و مکان، معارف اسلامی را استخراج و در اختیار دین مداران قرار دهد.

حوزه های علمیه به دلیل عقبه دانشی و عمیق خود ناشی از قرن ها تلاش و مجاهدت علمی فقیهان و فیلسوفان و مفسران امروز تراث کم نظیری دارد که با ارائه مسائل نوپدید به این گنجینه

ارزشمند و استطاق از سنت میتواند امتداد دهنده سنت انبیاء و اولیای الهی در احیای دین و شریعتی الهی باشند.

آنچه در این مقال مهم است اینکه حوزه های علمیه به عنوان داعیه داران نظریه پردازی اسلامی نقش بی بدیلی در پشتیبانی محتوایی و فلسفی و فکری از انقلاب اسلامی به عنوان ثمره تفکر اسلامی داشته باشد.

مهمترین عرصه های نقش آفرینی علمی و پژوهشی حوزه های علمیه در راستای کارکرد حفظ و تعالی انقلاب اسلامی، بدین شرح است:

تدقیق و تبیین مبانی اعتقادی و اندیشه نظری حاکمیت اسلام
حفظ و تعالی انقلاب اسلامی بدون زیرساخت های اعتقادی و نظری امکان پذیر نبوده و استقرار و ادامه حیات یک نظام سیاسی مرهون اندیشه های بنیادین است.

هر انقلابی به دلیل آنکه در پی تخریب نظام سیاسی مستقر و ایجاد یک نظام سیاسی دیگر است، ناچار برای نظام مطلوب آینده خود باید یک پشتوانه فکری و نظری داشته باشد، وگرنه مهندسی اجتماعی بعد از انقلاب، موفق نخواهد بود و نظام از هم خواهد پاشید. به عبارتی، هیچ انقلابی صورت نمی گیرد، مگر اینکه مقدمات تغییر فکر فراهم شده باشد. به عبارت دیگر، اندیشه ها و تفکرات، همواره بخشی از وضعیت پیش از انقلاب هستند و بدون آنها، انقلاب وجود نخواهد داشت. (کرین بریتون، ۱۳۸۲: ص ۵۹)

جامعه شناسان معاصر از جمله وبر و دورکیم در تبیین تأثیر نظام ارزشی بر تغییر اجتماعی، به مذهب به مثابه مهمترین بخش فرهنگ و نقش ویژه آن بر فرایندهای سیاسی تأکید دارند. از این منظر، قوام فرهنگ به ارزش هاست. عوامل فیزیکی، زیستی، روانی و اجتماعی هرگز تعیین کننده افعال اختیاری بشر نیستند، بلکه فقط زمینه ساز گزینش و اختیار او هستند. با توجه به این رویکرد نظری، می توان گفت: نظام جمهوری اسلامی ایران به مثابه متغیر، بر پایه اسلام استوار است و به اذعان جامعه شناسان دین، بالقوه بالنده، منبع نظم و یا دگرگونی قلمداد می شود. (نوروزی، ۱۳۹۰: ص ۱۳۵)

ویژگی مهم انقلاب ایران، ماهیت اسلامی آن است. در واقع انقلاب اسلامی با هویت دینی آن، از دیگر انقلابها و قیامهای جهان متمایز می شود. سایر ویژگی های انقلاب نیز به طور مستقیم یا غیر مستقیم از درون مایه اسلامی آن تاثیر پذیرفته است. خصوصیات و آرمانهایی چون معنویت

گرایی، احیای تفکر اسلامی، استکبار ستیزی و مردم سالاری و وحدت طلبی، ریشه در آموزه های اسلامی دارد. امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: "انقلاب ایران، هم از نظر محتوا و هم ظاهر، اسلامی بوده است" و تاکید می کند: "سایر انقلابها برای رسیدن به مسائل دنیوی بوده، ولی انقلاب ایران، اهداف متعالی تری دارد."

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خدامحوری در اصل دوم انعکاس یافته است، اعتقاد و پابندی به یگانگی خدا در شکل گیری فلسفه و نظام سیاسی اسلام دارای پیام و آثار فراوانی است می توان به الف) انحصار حاکمیت به خدا ب) نیاز حاکمیت سیاسی به مشروعیت الهی، ج) انحصار قانون گذاری به خداوند و به تبع آن لزوم شرعی بودن قوانین و مقررات اشاره کرد.

در فرهنگ اسلامی همه مباحث فکری و اعتقادی با تمام ابعاد عملی و رفتاری و از جمله اندیشه و مبانی سیاسی (فلسفه سیاست) با موضع گیری و اعمال سیاسی و شکل کلی حکومت (نظام سیاسی) ارتباط و پیوند داشته و تفکیک آنها از یکدیگر غیر ممکن و خروج از تفکر و عمل دینی می باشد و لذا پذیرش بخشی و انکار بخشی دیگر از اندیشه ها یا دستور العمل های اسلامی پشت کردن و کفر به کلیت و تمام دین است.

در بینش توحیدی امام خمینی، در اسلام قانون الهی حاکم است و همه تابع قانون هستند. دخالت در سیاست از اهداف مبانی پیامبر و در راستای هدف عالی وی که معرفت حق تعالی است مورد ارزیابی قرار می گیرد. و انسان ها هیچگاه از وجود سیاست گذار عادل با مبانی الهی، بی نیاز نیستند. بر اساس اندیشه شیعه از یک سو، نیاز جامعه اسلامی به ولایت معصوم (ع) یک نیاز دایمی است و از سوی دیگر، آخرین امام معصوم شیعه بنا به ضرورت ها غیبت کرده است. بدین سان، نظریه غیبت و کیفیت زندگی مذهبی - سیاسی شیعیان در دوره غیبت، از مسائل اساسی در نظریه های نظام سیاسی شیعه است.

انقلاب اسلامی ایران تلاش کرد تا آفاق خود را با آفاق اندیشه ای وحیانی اسلام همخوان و همراستا کند و از این رو تعالی انقلاب اسلامی لاجرم به تعالی اسلام و دیانت گره خورده است که در این میان هسته بنیان فکری انقلاب اسلامی، کلمه توحید است که پیوند ناگسستنی با یکدیگر دارند. این رو حوزه علمیه قم به عنوان مادر انقلاب اسلامی وظیفه دارد در راستای تعمیق و ترویج این باور و اعتقاد در جامعه تلاش وافر کند و با بسط و تعالی مفاهیم دینی، با پاسخ به شبهات مطروحه در تثبیت آن بکوشد.

تثبیت و تحکیم نظریه ولایت مطلقه فقیه

در نقطه مقابل قرائت هایی که از ظرفیت حداقلی فقه در جامعه بهره می گیرند همچون فقیهانی که ولایت فقیه را از باب حسبه می دانند، طبق نگرش امام خمینی (ره)، فقه شیعه، نه تنها مملو از مباحث سیاسی است، بلکه آموزه های آن، دارای ارتباط وثیق و محکمی با حکومت نیز هست؛ به گونه ای که ایشان حکومت را فلسفه عملی فقه خوانده و نظریه اداره فقهی جامعه در همه شئون و موارد را ارائه کرده است.

حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است. حکومت، نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است.

امام خمینی ضمن ارائه قرائت های متمایزی در خصوص نقش عقل، مصلحت و زمان و مکان در استنباط، بر رویکرد احکام حکومتی در برون رفت از بحرانها تأکید نموده و عملاً با اندیشه گستره اختیارات ولی فقیه، اختیاراتی را فراروی او نهاده اند تا بتواند جامعه سیاسی را به شکل مطلوب، اداره و هدایت نماید.

در اندیشه ولایت مطلقه، فقیه قادر خواهد بود با ملاحظه نیازها و مشکلات طولانی مدت و کوتاه مدت کشور اسلامی، برای هدایت کلان آن، برنامه ریزی نماید و با استفاده از مؤلفه هایی مانند حکم حکومتی یا مصلحت، جامعه را از بحران و چالش عبور داده و مناسب ترین مسیر مبتنی بر شریعت، عقلانیت و عرف - را در برون رفت از مشکلات ارائه کند، بلکه فقیه در فرایند اجتهاد نیز قادر خواهد بود، نیازهای جامعه را در نظر گرفته و با موضوع شناسی مناسب و درک موقعیت زمان و مکان، احکام فقه را استنباط کرده و عملاً از مؤلفه ها و ارکان فقه به صورت کارآمد و عملیاتی، در راستای توسعه و تعالی جامعه استفاده نماید.

امام خمینی در قامت یک فقیه و مصلح اجتماعی با ارائه نظریه ولایت فقیه و جد و جهد علمی و تربیت طلاب و فضلا و استفاده مناسب از رسانه، توفیق علمی نظریه ولایت فقیه را در حوزه علمیه ایجاد کرد. به عبارتی «هنر بزرگ مرحوم امام آن بود که مباحث تئوریک و نظریه پردازی ولایت فقیه که پیشینه آن به آغاز عصر غیبت بر می گشت را به شکل نظریه ای کارآمد برای اداره سیاسی اجتماعی جامعه تبدیل نموده و بر اساس آن، نظام سیاسی جدیدی را بر پایه احکام اسلام پی ریخت. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ص ۱۷۹)

جامعیت دین و معارف دینی ایجاب می‌کند نگاه جامعی از نظریه ولایت فقیه ترسیم شود که همه ابعاد کلامی، فلسفی، فقهی، اخلاق و عرفانی آن تبیین گردد. ولایت فقیه، نظریه‌ای نیست که صرفاً در حوزه‌ای خاص مطرح باشد یا از مسائل فرعی اسلامی باشد، چه برسد به آن که به دنبال اثبات آن از لابه لای ادله نقلی و در فقه آن هم در سطح سایر مسائل فقهی باشیم و یا اثبات آن را تنها به دلالت ادله و میزان اعتبار آنها منوط کنیم. ولایت فقیه حوزه کلام، فقه و اخلاق را در بر گرفته و به اصطلاح، موضوعی چندوجهی و بین رشته‌ای محسوب می‌گردد. بر این اساس، نمیتوان با نگاه به ولایت فقیه به عنوان یکی مسأله، بدون توجه به منظومه معرفت اسلامی به تبیین جامعی از این نظریه دست یافت. ترسیم جایگاه شایسته حکومت اسلامی در عصر غیبت و بهره گرفتن از همه ظرفیت معرفت اسلامی و کاستن از دامنه اختلاف نظرهای فراوان پیرامون این نظریه و تلائم بیشتر دیدگاهها، در گرو تبیین جامع نظریه ولایت فقیه در منظومه معرفت اسلامی است. (نوروزی، ارجینی، مجتبی زاده، ۱۳۹۹: ۹)

توجه به رشد و گسترش فقه حکومتی

انقلاب اسلامی یک سخت افزار سیاسی و اجتماعی است که نرم افزارش فقه جوهری مبتنی بر زمان و مکان است. حکومت اسلامی آنگاه اسلامی خواهد بود که بر مدار دین حرکت کند و تلاش کند تا دین در ساحت فردی و اجتماعی در قالب حداکثری محقق شود. اقامه نماز کند، زکات را به پا دارد و بر اجرای حدود همت گمارد و شریعت محمدی □ را جاری نماید. از حقوق مظلومین دفاع کند و در مقابل استکبار و استضعاف و استبداد بایستد. سیاست را برای دین ورزی به کار برد و نه اینکه دین را دستمایه حرکت های سیاسی و حزبی نماید. در اقتصاد بر حذف ربا اصرار ورزد و برای سالم سازی روابط تجاری، مکانیسم مدون تعیین نماید و..... بدون شک هدف گذاری برای حکومت دینی و تعیین سیاست ها و تعریف راهبردها و شرح دستور العمل ها در چنین حکومتی نیازمند خردمندانی آشنا به شریعت است و بدون شک این نهاد به جز حوزه های علمیه نیست.

حوزه علمیه قم به عنوان خاستگاه اسلام محمدی □ که داعیه جهانی شدن دارد باید تمامی همت خویش را مصروف سازد تا نسخه سیاسی اسلام که در قالب انقلاب اسلامی ایران محقق شده است، شایستگی های خود را در کارویژه هایش به درستی اثبات کند و زمینه سازی برای صدور اسلام را محقق سازد. به عبارت دیگر حوزه های علمیه باید فرزند خویش را که حکومت

اسلامی است در دامن نظریات و استدلالات خویش پرورش دهد. در این وضعیت به صورت طبیعی دغدغه علما و روحانیت در درس و بحث و مناظره و مباحثه و پژوهش، مسائل اجتماعی خواهد بود. در چنین وضعیتی حوزه های علمیه، درباره تعیین سیاست های کلان، قوانین و مصوبات به صورت روزآمد اظهار نظر می کنند و به صورت طبیعی خروجی هایی همچون کتاب ها، پایان نامه ها، پایگاه های اینترنتی، حجم وسیعی از مسائل روز جامعه را دربرمی گیرد. اما حقیقت این است که واقعیت روز حوزه های علمیه با آنچه شایسته و بایسته است متفاوت است و هنوز حوزه های علمیه راه بلند طی نشده در عرصه فقه حکومتی زیاد دارند که بخش زیادی از آن به دلیل سیطره نگاه فردی به حوزه دین است که قرن ها بر جامعه اسلامی و به تبع آن حوزه های علمیه سایه انداخته است.

انقلاب اسلامی ایران نمونه ای تکامل یافته از پیوند فقه جعفری با مقتضیات جامعه روز است که تلاش می کند کارایی و کارآمدی اسلام را در صحنه اجرا به اثبات برساند. فقه حکومتی نگرشی اصیل است که ریشه در مبانی فقه داشته و توسط فقهای پیشین نیز مورد عنایت قرار گرفته است؛ لکن با عنایت به اینکه مقتضای عصر غیبت، تقیّه از حاکمان جائر بود، لذا بحث از تبیین نقشه راه سعادت مادی و معنوی جامعه در پرتو فقه شیعه و در ذیل حکومت دینی برای فقیهان، میسر نبوده است بلکه با پیروزی انقلاب اسلامی و ایجاد نظام سیاسی مبتنی بر آموزه های فقهی و پس از برطرف شدن بسیاری از زمینه هایی که مقتضی عدم طرح حداکثری فقه در جامعه بود، ضرورت تبیین ظرفیت های حداکثری فقه، نمایان شد که حضرت امام با شناخت صحیح زمانه و ضرورت درک تحول و توسعه در ظرفیت های فقه، بسترهای فقه را مورد واکاوی قرار داده و توسعه جایگاه حکومتی فقه شیعه را مورد عنایت قرار داد و در این راستا با ارائه نظریه ولایت مطلقه فقیه، گستره های از اختیارات را به تناسب اداره جامع، مطلوب و کارآمد برعهده حاکم اسلامی - ولی فقیه - نهاد تا از همه ظرفیت های فقه شیعه در راستای اداره شریعت مدار جامعه، استفاده نماید و با استفاده از عناصری مانند زمان و مکان، مصلحت و حکم حکومتی در استنباط احکام شرعی، جامعه را به سوی آرمانهای شریعت، سوق داده و با برطرف کردن گره های کور علمی و عملی، کارآمدی حکومت دینی را نیز در مرحله عمل، اثبات نماید. (ایزدی، ۱۳۹۱: ص ۵۷ تا ۸۶)

با بررسی مسیر آرمانی فقه حکومتی در ترسیم تمدن اسلامی و نرم افزار اداره جامعه، فعالیت های انجام شده در این حوزه را اگرچه موفقیت آمیز اما ناتمام می توان توصیف کرد به این معنا که فقه

حکومتی در مرحله شدن است و در مقطع "حرکت" قرار دارد.

بعد از امام خمینی □ که ساختار جدیدی را در فقه حکومتی ارائه داد، فرد دیگری نتوانسته این همه تغییر را ایجاد کند و چه بسا که دهه و یا سده های دیگر هم بگذرد و چنین فردی ظهور نکند کما اینکه بعد از شیخ طوسی تا چهارصد سال، فردی به آن قوت پیدا نشد. تئوری فقه حکومتی امام خمینی □ به درستی از سوی شاگردان ایشان تشریح نشد و مکتب علمی امام خمینی □ بسط و گسترش مطلوب خود را پیدا نکرده است و اصول فقه حکومتی نگاشته نشده و مباحث بنیادین آن به اجمال بحث شده است. البته در مورد اصل مساله ولایت فقیه که چگونگی توزیع قدرت سیاسی در جامعه را شکل می دهد و می توان گفت در حوزه اندیشه سیاسی جای دارد، فقیهان زیادی بعد از انقلاب اسلامی نظریه پردازی کردند و کتاب های مستقلی را درباره ولایت فقیه نوشتند، اما درباره حوزه های مختلف فقه حکومتی که نیازمند کار کارشناسی دقیق بوده و مترصد همفکری اندیشمندان دانشگاهی در تشخیص موضوعات است، کار جدی ای چندانی صورت نگرفته و مباحث به بلوغ لازم نرسیده اند، به عنوان نمونه در حوزه فقه رسانه به جزء سه کتاب بیشتر نوشته نشده است که البته این گونه مباحث در مرحله بحث علمی آکادمیک باقی مانده و در قالب فتوا و حکم صادر نشده و کتاب عمل مکلفین نشده است. در چنین وضعیتی که رسانه ها رساله توضیح المسائل ندارند و نام دین را یدک می کشند، اگرچه دغدغه دین داشته باشند اما ای بسا در راه نادرست سیر کنند و نشر ضلال را نهی از منکر و غیبت را نصیحت و شایعه پردازی را گفتمان سازی تصور کنند و از این طریق، فقر علم و بداخلاقی فرهنگی را به سطح جامعه منتشر کنند.

در بخش موضوعات جدید و عملیاتی فقه حکومتی مشکل جدی، عدم ورود فحول حوزوی است و اینکه هنوز این ضرورت برای برخی در حوزه های علمیه جانيفتاده است و از سوی دیگر به دلیل کمبود منابع و مباحث، بحث ها بسیار کلی بوده و کند پیش می رود. متتبعان فقه در موضوعات نوین اجتماعی هنوز نوپا هستند و به دلیل اینکه در مرحله زایش و گذار به مرحله بلوغ هستند، هنوز روش و اسلوب دقیقی ندارند.

اسلامی سازی علوم انسانی

علوم انسانی، از آن روی که مربوط به انسان، زندگی، اندیشه ها و رفتارهای او است، مورد توجه خاص اسلام است. متفکران مسلمان از زوایای گوناگونی این علوم را مورد توجه قرار داده اند.

این اندیشمندان در رابطه با مباحث علوم انسانی دارای آراء و دیدگاه های متعدد و متنوعی هستند. با توجه به گستردگی منابع اسلامی، که به مباحث علوم انسانی می پردازد. از دیرباز علوم انسانی در جهان اسلام و در میان اندیشمندان مسلمان جایگاه خاص خود را داشته است. در جهان کنونی به دلیل بیداری مسلمانان در قرن اخیر به واسطه انقلاب اسلامی ایران، نمی توانیم صرفاً نظاره گر پیشرفت علم باشیم و از محصولات علمی دیگران استفاده کنیم، بلکه باید خودمان با جدیت فراوان وارد این میدان شویم و پرچمداری تولید علم را حداقل در دنیای اسلام در اختیار داشته باشیم.

اهمیت علوم انسانی از آنجاست که بنیان ها و ارزش های و حرکت کلی یک جامعه را مشخص می کند:

"علوم انسانی روح دانش است. حقیقتاً همه ی دانشها، همه ی تحرکات برتر در یک جامعه، مثل یک کالبد است که روح آن، علوم انسانی است. علوم انسانی جهت میدهد، مشخص میکند که ما کدام طرف داریم میرویم، دانش ما دنبال چیست. وقتی علوم انسانی منحرف شد و بر پایه های غلط و جهان بینی های غلط استوار شد، نتیجه این میشود که همه ی تحرکات جامعه به سمت یک گرایش انحرافی پیش می رود. امروز دانشی که غرب دارد، شوخی نیست؛ چیز کوچکی نیست. دانش غرب یک پدیده ی بی نظیر تاریخی است؛ اما این دانش در طول سالهای متمادی در راه استعمار به کار رفته، در راه برده داری و برده گیری به کار رفته، در راه ظلم به کار رفته، در راه بالا کشیدن ثروت ملتها به کار رفته؛ امروز هم که می بینید چه کار دارند میکنند. این بر اثر همان فکر غلط، نگاه غلط، بینش غلط و جهت گیری غلط است." (بیانات رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳/۷/۱۳۹۰)

اسلامی سازی علوم انسانی مهمی است که نیازمند فعالیت گسترده حوزه های علمیه است؛ "اصلاح در علوم انسانی و تحول در سینما و تلویزیون بدون اصلاح پایه های معرفتی علوم انسانی غربی امکان پذیر نیست و اصلاح این پایه ها نیز در گرو ارتباط موثر با حوزه های علمیه و علمای دین است." (بیانات رهبر انقلاب در تاریخ ۱۲/۱/۱۳۹۱)

طی مسیر اسلامی سازی نیازمند تبحر و تعمق و ورود دانشمندان خبره است، "یکی از آن مبانی اساسی و ارزشهای اساسی عبارت است از اعتقاد به پیشرفت، اعتقاد به تحول، به تکامل، و تعامل با محیط، البته با پرهیز از انحرافها و خطاهایی که در این راه ممکن است وجود داشته باشد. تحول و تکامل؛ هم فقه ما، هم جامعه شناسی ما، هم علوم انسانی ما، هم سیاست ما، هم روشهای گوناگون ما

باید روزبه‌روز بهتر بشود، متنها به دست آدمهای خبره، به دست آدمهای وارد، به دست انسانهای اهل تعمق و کسانی که اهلیت ایجاد راه‌های نو را دارند؛ نیمه‌سوادها و آدمهای ناوارد و مدعی نمیتوانند کاری انجام بدهند. به این باید توجه داشت؛ اینها همه یک صراطی است که چپ و راست دارد؛ از وسط جاده باید حرکت کرد." (بیانات رهبر انقلاب در تاریخ ۱۳۹۵/۳/۱۴)

نهاد سازی در جهت تحقق ساختار مناسب برای نظام انقلاب اسلامی هر مجموعه معرفتی تبلور خود را در ساز و برگ و نمونه تحقق خود در جهان اجتماعی به شکلی خاص محقق می‌سازد و ساختاری مبتنی بر مبانی نظری و در جهت وصول به اهداف غایی خویش تنظیم می‌سازد. تنظیم روابط قوا با یکدیگر، روابط مردم با مسئولان و مسئولان با مردم، چگونگی خط و مشی گذاری سازمانی و مدیریت در عرصه های گوناگون، زمینه های تحقق مشیت ارکان یک نظام سیاسی است تا کارگزاران بر سبک و سیاق مطلوب، به کنش گری پردازند.

از منظر امام خمینی(ره)، خلاء نهضت مشروطه و جنبش صنعت نفت فقدان یک نظریه منسجم برای ایجاد انقلاب و مدیریت جامعه بود. حضرت امام معماری بود که در برای تکوین، تثبیت و تداوم انقلاب اسلام در چالش با مبانی سکولاریسم بر این اصول بنیادین تاکید داشتند: اسلامی کردن آگاهی و شناخت، ارائه ساختاری هماهنگ با بنیانهای فکری، (از جمله در زمینه توسعه و فناوری)، اسلامی کردن رفتار و زندگی فردی، تکلیف محوری، ساختار سازی و برنامه ریزی و عمل معطوف به رسالت. (نوروزی، ۱۳۹۰:ص ۱۶)

امام خمینی(ره) انسجام، اتحاد و پیشرفت حکومت اسلامی را وابسته به حاکمیت قوانین اسلامی و ایجاد جامعه ای که قوانین اسلامی در همه زمینه ها در آن تسری داشته و تصمیم گیری ها براساس آن صورت گیرد؛ می دانستند. این امر نیز با وجود نهادهایی متناسب با نظام اسلامی امکان پذیر بود.

نیازهای ناشی از پیروزی انقلاب، مسئولان در نظام جمهوری اسلامی را برآن داشت جهت رفع نیازهای انقلاب و حفظ دستاوردهای آن به ایجاد نهادهای انقلابی اقدام نمایند. در این راستا برخی نهادها با مسئولیت معین، ماهیت انقلابی و برخاسته از متن جامعه و فعالیت‌های درونی انقلاب شکل گرفتند. برخی نهادها به صورت دائمی به فعالیت خود ادامه داده؛ برخی به دلیل مشکلات تحمیل شده ایجاد و جهت حل مقطعی معضلات شکل نهادی یافتند. (فخیمی، ۱۳۷۳:ص ۲۴) بدین ترتیب نهادهای تأسیس شده توسط امام علاوه برانجام کارکردهای

متفاوت، برخی به صورت مقطعی بوده و دچار تغییر شدند. (فوزی، ۱۳۸۴:ص ۹۶)

مهمترین نهاد سیاسی و مذهبی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی توسط امام خمینی برای اولین بار تأسیس و نهادینه شد؛ نهاد ولایت فقیه است. گرچه این نهاد سابقه طولانی در اندیشه سیاسی شیعه دارد؛ اما توسط امام خمینی این نهاد، احیا و با قید عنوان «ولایت مطلقه فقیه» اختیارات آن مشخص گردید. چنانکه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۵۷ به اصل ولایت فقیه اشاره و در اصل ۱۱۰ به تفصیل به اختیارات و وظایف این جایگاه پرداخته شده است. بدین ترتیب نهاد سیاسی، مذهبی، اجتماعی ولایت فقیه در جمهوری اسلامی ایران نهادینه شده و رسمیت یافته است.

مجلس خبرگان قانون اساسی جهت تدوین و تصویب قانون اساسی از جمله این نهادها بود. (هاشمی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸) قم از آنجا که این نهاد پس از انقلاب اسلامی به منظور تصویب قانون اساسی جدید با محتوای اسلامی تشکیل شده بود؛ پس از تدوین قانون اساسی منحل گردید. همچنین مجلس شورای اسلامی را میتوان به عنوان نهاد دائمی با کارکرد قانونگذاری معرفی نمود. شوراهای اسلامی شهرو روستا نیز پس از انقلاب اسلامی به دستور امام تأسیس شدند. پس از پیروزی انقلاب، شوراهای مردمی در ادارات، کارخانه ها، شهرها، محلات و روستاها شکل گرفته و نظام رهبری گروهی جایگزین ساختار سلسله مراتبی گذشته شد.

شورای نگهبان را میتوان نهاد نظارتی دائمی برشمرد. شورای نگهبان به عنوان یکی از مهمترین نهادهای حکومتی در نظام جمهوری اسلامی ایران محسوب میگردد. اعضای اولین دوره آن قبل از افتتاح مجلس شورای اسلامی توسط امام انتخاب شدند. (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶)

دفتر تبلیغات اسلامی (نک: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۶)، بسیج مستضعفین، (علیزاده سیلاب و دیگران، ۱۴۰۰:ص ۷۷-۵۵) کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد شهید و ایثارگران، جهاد سازندگی و... از دیگر ساختارهایی است که پس از انقلاب اسلامی سامان گرفت.

امروز حوزه علمیه قم باید با کمک نخبگان خویش و با فهم دقیق مسائل و مشکلات و نواقص فعلی به بررسی و تحقیق و پیشنهاد تأسیس نهادهای جدید یاری رساند؛ ابتکار عمل در حوزه ایجاد ساختار مطلوب و برنامه ریزی در جهت تحقق و عملیاتی شدن برنامه های مدنظر حاکمیتی

دینی مهمی است که نیازمند مطالعات عمیق کتابخانه و البته فحص و بررسی دقیق میدان عمل و درک مشکلات در حوزه اجرا است. امروز مفاهیمی همچون عدالت، ایثار، محبت و تواضع، ارشاد و آموزش، کمک به برخی قشرها و یا اصناف آسیب پذیر، حل مسائل حاشیه شهرها نیازمند درانداختن طرح‌ها و ساختارهای دقیق اجرایی است. ساختارهایی که در عین پیشبرد اهداف خود به سازمانی عریض و طویل و با کارآرایی حداقلی و هزینه‌های بی حساب و بی فایده و ساختاری پوسیده و بی برنامه تبدیل نشود. سازمانی که بتواند با تئوری‌های تحولی و با به کارگیری افراد متخصص و با کار گروهی، گامی در جهت تحقق حاکمیت دینی بردارد. در انداختن نهادهایی که بتواند حکمی از احکام شرعی یا فرعی از فروع دینی را محقق و زندگی دینی در حکومت اسلامی را یاری کند.

ایجاد و استحکام بنیان‌های نرم افزاری تمدن نوین اسلامی تمدن یک پدیده اجتماعی است که دارای تحولات و دگرگونی‌هایی است و به صورت طبیعی در مسیر خود فراز و فرودهایی را تجربه می‌کند. بیان سیر صعودی یا نزولی تمدن در جوامع انسانی مسئله‌ای بوده است که ذهن اندیشمندان علوم انسانی را به خود مشغول ساخته و تلاش کرده‌اند تا با آگاهی و کشف سنن و قوانین حاکم بر تاریخ و چگونگی حرکت تاریخی جوامع، برای ساختن آینده‌ای بهتر از آن استفاده نمایند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بحث تمدن، علل و اسباب مختلفی بیان داشته و در تحلیل تاریخی خود، اسباب متفاوت و متکثر دخیل در تمدن اسلامی را بر شمرده‌اند که می‌توان به نظام ارزشی، استقلال، آزادی، وحدت، دین‌مداری، حکومت، قانون‌گرایی، امت‌سازی، عدالت‌پروری، دانش‌گستری، شهرنشینی اشاره کرد. (بی‌نام، ۱۳۹۱: ص ۷۵)

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، راهکار ایجاد تمدن نوین اسلامی را ایجاد نظام ارزشی و دانشی می‌داند و از این‌رو بر مباحثی همچون «اسلامی سازی علوم انسانی» «تحول حوزه‌های علمیه» و ایفای نقش مادری توسط حوزه‌های علمیه تأکید داشته‌اند. (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۹/۰۹/۲۷)

از نظر امام خمینی (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، حوزه علمیه، محور و هسته مرکزی جمهوری اسلامی و وقوام حرکت دینی و اسلامی از منظر واقعی و آینده‌نگرانه است. (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۸۶/۱۲/۱۱) از این منظر، تشکیل حکومت و دولت اسلامی، مقدمه‌ای برای تشکیل تمدن اسلامی است؛ از این‌رو در گفتمان تمدن اسلامی، حوزه‌های علمیه به‌عنوان نهاد تولیدکننده علم و

دانش، نقشی محوری و جایگاهی برجسته می‌یابد. (استادیان، ۱۳۹۹، ص ۹۲)

جریان فکری تمدن گرا معتقد است انقلاب اسلامی از ابتدا به‌عنوان هدف غایی مدنظر انقلابیون مکتبی نبوده است، بلکه نظام اسلامی مقدمه تمدن اسلامی تلقی می‌شود. لازمه حرکت در مسیر رسیدن به تمدن اسلامی حفظ آرمان‌گرایی انقلابی است.

بروز انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی، نخستین گام در شکل‌دهی تمدن اسلامی نبوده است. این مرحله، مبتنی بر اصول، مبانی و اهداف انقلاب اسلامی شکل گرفتند؛ اما گام بعدی، انقلاب فرهنگی و تولید علوم و نرم‌افزارهای تمدنی متناسب با تغییر تمایلات اجتماعی است. اگر انقلاب اسلامی نتواند متناسب با اهداف و شعارهای سیاسی خود، اندیشه‌ها، پایه‌های فرهنگی و نرم‌افزارهای خود را تولید و بازسازی کند، هیچ‌گاه نمی‌تواند به تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی امیدوار باشد (جمالی، ۱۳۹۰: ۱۷)

از دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نگاه امروز به سمت عالمان دینی و روشنفکران جهان اسلام است و حوزه‌های علمیه هستند که می‌توانند زیرساخت‌های تمدن اسلامی را ایجاد کنند. در این منظر حوزه علمیه، محط علمی زایش تمدن نوین اسلامی است و حوزه علمیه با تکیه بر منابع دینی و دلالت‌های عقل نظری و عقل علمی در راستای سعادت دنیوی و اخروی انسان تلاش می‌کند. (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۹۴ / ۱۰ / ۰۸)

از نظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، روال موجود حوزه علمیه برای پاسخ به نیازهای فعلی نیز کافی نیست و برای ایفای نقش واقعی حوزه‌های علمیه نیازمند تحول عمیق هستیم تا حوزه بتواند خلأهای تمدنی را پر کند تا بتواند در حوزه نظریه‌پردازی و جنبش نرم‌افزاری نقش ایفاء کند. (بیانات رهبر انقلاب، ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۰۱)

نتیجه‌گیری:

بررسی چگونگی نقش آفرینی علمی حوزه علمیه قم در بعد حفظ و تعالی انقلاب اسلامی از آنجا اهمیت دارد که حوزه علمیه قم، پایگاه و مبدا نهضت اسلامی بوده و ویژگی‌های انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که قوام و ثبات و استمرار و تعالی آن متوقف به بالندگی و رشد و فعالیت علمی حوزه‌های علمیه است.

تامین عقبه فکری دینی و بعد استراتژیک و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی نیازمند اجتهاد، جهاد

علمی، نظریه پردازی و گفتمان سازی حوزه های علمیه در تسری منابع دینی به موضوعات و مسائل اجتماعی و سیاسی مورد نیاز جامعه است.

تدقیق و تبیین مبانی اعتقادی و اندیشه نظری حاکمیت اسلام، تثبیت و تحکیم نظریه ولایت مطلقه فقیه، توجه به رشد و گسترش فقه حکومتی، اسلامی سازی علوم انسانی، نهاد سازی در جهت تحقق ساختار مناسب برای نظام انقلاب اسلامی، ایجاد و استحکام بنیان های نرم افزاری تمدن نوین اسلامی، محورهای نقش آفرینی حوزه علمیه قم است که بروز و ظهور مناسب در آن، می-تواند به حفظ و تعالی انقلاب اسلامی یاری رساند.

ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان نقطه مطلوب حکمرانی دینی نیازمند طراحی و استخراج نظام ارزشی و دانشی ای ویژه ای است که این وظیفه را تنها حوزه علمیه قم با تکیه بر منابع اصیلی دینی و بهره گیری از نظام استنباط اجتهادی می تواند ایجاد کند.

فهرست منابع :

امام خمینی (سید روح الله، خمینی) ۱۳۸۵، منشور روحانیت، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خمینی (سید روح الله، خمینی) ۱۳۹۱، روحانیت و حوزه های علمیه از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

امام خامنه ای (سید علی، حسینی خامنه ای)، ۱۳۹۹، نرم افزار حوزه و روحانیت (رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدظله العالی)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.

ایزدهی، سید سجاد، ۱۳۹۱، امام خمینی و ارتقاء جایگاه فقه حکومتی، حکومت اسلامی، سال هفدهم - شماره ۶۴.

استادیان خانی، علیرضا، مولوی، عیسی، ۱۳۹۹ بررسی نقش حوزه علمیه در ساخت بعد معرفتی تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه های حضرت آیت الله خامنه ای، علم و تمدن در اسلام، شماره ۶ (ص ۹۱ تا ۱۰۹)

بادامچیان، اسدالله، ۱۳۷۴، شناخت انقلاب اسلامی و ریشه های آن، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی

تهران.

بی نام، ۱۳۹۰، بیداری و احیای تمدن اسلامی با تأکید بر اندیشه سیاسی رهبر معظم انقلاب اسلامی، به نشانی

http://farsi.khamenei.ir/others-article?id=25071#_ftnref1

جمالی، مصطفی، ۱۳۹۰ هجری، علوم انسانی اسلامی؛ از دیدگاه روش شناختی؛ مجله: عیار پژوهش در علوم انسانی شماره ۵،

جمعی از نویسندگان، زیر نظر: حاج سید جوادی، خرمشاهی، اشکوری، کامران خانی، ۱۳۸۹،
دائرة المعارف تشیع، تهران، نشر حجتی.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹ دانشنامه جهان اسلام، تهران.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، انقلاب اسلامی ایران، قم: نشر معارف.

حشمت زاده، محمدباقر، ۱۳۷۱، چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی در ایران، تهران،
انتشارات دانش و اندیشه معاصر.

دکتر معین، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی، تهران، امیرکبیر.

دهخدا، علی اکبر، ۱۳۴۶، فرهنگ دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.

سایت حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: Khamenei.ir

فخیمی، فرامرز، ۱۳۷۳، تحولات سازمانهای دولتی ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی، تهران:
نشر فرهنگی .

فوزی، یحیی، ۱۳۸۴، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران، تهران: عروج.

قدسی علیزاده سیلاب، زاهد غفاری هاشجین، یوسف ترابی، ۱۴۰۰، نهادسازی در سبک رهبری

حضرت امام خمینی، دوفصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، س ۱۳، ش ۲۵،

صفحات ۷۷-۵۵

کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ۱۹۱۳، نظریه های بنیادی جامعه شناختی، ترجمه فرهنگ

ارشاد (۱۳۷۸)، تهران، نشرنی.

گی روزه، ۱۳۷۰، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی.

کرین بریتون، ۱۳۸۲، کالبد شکافی چهار انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات زریاب.

مطهری، مرتضی، ۱۳۶۷، نقدی بر مارکسیسم، تهران، انتشارات صدرا.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، فرهنگنامه نهادهای انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، فرهنگنامه نهادهای انقلاب اسلامی، ص ۲۳۶، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

نوروزی، محمد جواد، ۱۳۹۰، اسلام، مدرنیته و حاکمیت دینی در جمهوری اسلامی ایران، معرفت سیاسی، سال سوم.

نوروزی محمد جواد، ارجینی حسین، مجتبی زاده، علی، ۱۳۹۹، ضرورت تبیین نظریه ولایت فقیه مبتنی بر منظومه معرفت اسلامی، حکومت اسلامی، سال بیست و پنجم، شماره چهارم، پیاپی ۹.

هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۷۵، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، قم: مجتمع آموزشی عالی.